

«ایران» از اجرای تئاتر خیابانی در جشنواره تئاتر فجر گزارش می‌دهد



تئاتر خیابانی از یک موهبت تا یک معضل

نوشته احسان زیور عالم

در سال‌های اخیر مفهوم فرینج (Fringe) برای جشنواره تئاتر فجر به یک مسأله مهم بدل شده است. مراودات بین‌المللی در سال‌های اخیر پای این واژه غریب را به تئاتر ایران باز کرده است. واژه‌ای که بیش از هر کجای دیگر دنیا، در جشنواره ادینبورگ بریتانیا خودنمایی می‌کند. در تعریف واژه فرینج آمده «بخش بیرونی، حاشیه‌ای یا الصافی یک ناحیه، گروه یا حوزه فعالیت». به عبارتی فرینج بخش جنبی یک جشنواره است که در فضای بیرونی آن رخ می‌دهد. بخشی که در ادینبورگ به مهم‌ترین رویداد سالانه آن بدل شده است. گونه‌های مختلف اجرایی که با تعاریف آشنای جهان نمایش تفاوت دارند. برای مثال استندآپ کمدی‌های رایج این روزها، بخشی از فرینج به حساب می‌آیند. دلک‌ها در ادینبورگ اشکال نمایش سیرک را به تصویر می‌کشند و هنرمندان حوزه پرفورمنس آرت، با نگاهی به اتمسفر فضاهای نامتعارف، شکل‌های نویی از نمایش را عرضه می‌کنند. آنان به عبارتی از آنچه به معنای دقیق کلمه تئاتر (تماشاخانه) است فاصله می‌گیرند و هر بنا و فضایی را به یک تئاتر تازه بدل می‌کنند.

قرار بود تئاتر خیابانی در ایران چنین شاکله‌ای داشته باشد. اطلاق تئاتر به آن هم شاید از همین مسأله نشأت می‌گیرد. تئاتر به یک مکان اشاره دارد تا یک شکل نمایشی خاص و از همین رو بسیاری از استادان از به کار بردن واژه تئاتر در مورد آثار خیابانی اجتناب کرده‌اند. آنان نمایش خیابانی را اصطلاح مناسب‌تری دانسته‌اند. همین افتراق نشان از یک وضعیت است، وضعیتی که در دوره ۳۶ام جشنواره فجر منجر به ابداع واژه off-stage theater شد. هرچند بعدها بسیار به فرهاد مهندس‌پور اعتراض کردند که این اصطلاح معنای مدنظر او را نمی‌رساند و اساساً به فضای پشت‌صحنه اطلاق می‌شود؛ اما مهندس‌پور آن را یک بزن‌گاه برای تفاوت قائل شدن میان گونه‌هایی از اجرا می‌دانست. منظور او گونه‌هایی بود که دقیقاً در

فرینج‌ها محبوب هستند. نمایش‌هایی که فضاهایی نامتعارف برای اجرای خود برمی‌گزینند. خیابان، پارک، کارخانه، کارگاه، مدرسه و حتی اتوبوس و قطار، محیط‌هایی به حساب می‌آیند که در آن می‌توان نمایشی اجرا کرد برآمده از اتمسفر مکان. بعدها اسم این بخش به دیگر گونه‌های اجرا تغییر نام یافت که باز هم محل جدال بود. به نظر می‌رسید هر آنچه تئاتر به معنای واقعی کلمه نبود را در یک ظرف ریخته باشید و تمام؛ اما واقعیت آن بود که تئاترهای نامتعارف دسته‌بندی‌های متعددی دارند و اطلاق واژه فرینج صرفاً به دو موضوع بیرونی بودن و نامتعارف بودن آن بازمی‌گشت. همین دو صفت در اصطلاح فارسی وجود نداشت. حتی اشکال نمایشی (Dramatic) به ساحت دیگری به نام اجرا (Performance) تقلیل یافته بود.

امسال جشنواره از همان دیگر گونه‌های اجرا محروم ماند و صرفاً نمایش‌های خیابانی در جشنواره باقی ماندند. نمایش‌هایی که از همان الگوهای ثابت دو دهه اخیر استفاده کرده‌اند و بیش از آنکه برآمده از جنبه‌های علمی و تجربی تئاتر آکادمیک باشند، محصول نگاه کارناوالی فرهنگ ایرانی هستند. چیزی شبیه معرکه‌گیری؛ اما بدون مار و عقرب و زنجیر. نمایش‌های خیابانی حداقل در پنج سال اخیر با پیشرفت خیره‌کننده‌ای روبه‌رو نشده‌اند. جهان ثابتی دارند و آدم‌هایش دستخوش تحول نمی‌شوند. شما می‌توانید با نگاهی به پنج دوره اخیر تکرار نام‌ها را شاهد باشید. علت مهم ماجرا آن است که نمایش خیابانی در ایران بیش از هر چیزی مضمون‌محور بوده و فارغ از فرم‌های هنری تلاش می‌کند براساس رویدادهای روز، اثر بیاورند. از همین رو، از دل نمایشگران خیابانی جولین بک پدید نمی‌آید که برحسب زمانه فرم هنری‌اش را تغییر دهد؛ بلکه برحسب فرم پذیرفته خود موضوعات را به چالش می‌کشند. برای همین همواره

با یک نوع آکسسوار، بازی و حتی شکل تولید مواجهیم. نمایش خیابانی ایران در سال‌های اخیر صرفاً زینت‌المجالس جشنواره بوده است. بوده تا شکل مردمی تئاتر ایران باشد؛ اما هیچ‌وقت فرینج نشده است.

فرینج یک شکل مالی دارد. به اقتصاد تئاتر کمک می‌کند. در آن هزینه کردن پول رایج است. مخاطب برای دیدن آثار فرینج هزینه می‌کند. فرینج وابستگی به مرکزیت تئاتر ندارد؛ بلکه مرکزگرای است. برخلاف بخش خیابانی فجر که در اطراف تئاتر شهر شکل می‌گیرد و هیچ تصویری وجود ندارد که نمایش در بیابان‌های جنوبی یا کوهستانی شمالی تهران اجرا شود. نمایش‌ها عموماً کم‌دی و مملو از رقص هستند که به سنت روحوضی به شکل ناخودآگاه گرایش دارند. شیوه تعاملی (Interactive) این نمایش‌های بشدت بدوی هستند و نمی‌توانند حتی به ساده‌ترین آرای آگوستو بوال نزدیک شوند که به زعم بسیاری مردمی‌ترین شکل نمایش را اجرا می‌کرده است.

شنیده‌ها حاکی است که جشنواره تئاتر فجر برنامه‌ای برای حذف بخش خیابانی دارد و تلاش بر تمرکز بر دیگر گونه‌های اجرا - که در واقع شکل نزدیک‌تری به فرینج‌های اروپایی است - دارد؛ اما انصراف تمامی نمایش‌های این بخش همه چیز را بر هم ریخت. این وضعیت را باید در شکل غربی فرینج جست‌وجو کرد که اساساً بخشی نیمه‌مستقل از بخش اصلی جشنواره به حساب می‌آید. آنچه در فجر چندان بدان توجهی نمی‌شود. می‌شد دیگر گونه‌ها را به بخش خصوصی سپرد تا صرفاً در ایام فجر برگزار شود. نقش دولت در این گونه نمایش‌ها باید کم باشد؛ چون اساساً این نمایش‌ها واجد صفت Alternative هستند که در برابر اشکال مرسوم تئاتر قرار می‌گیرند. حال باید دید در آینده برنامه‌های فرینج‌طور جشنواره تئاتر فجر به کدامین سو می‌رود. ■